

Recognizing Social Indifference and Factors Affecting it (Case Study: Students of Islamic Azad University of Tehran)

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Neda Seyedin¹
Abdolreza Adhami^{2*}
Talieh Khademian³

How to cite this article

Neda Seyedin, Abdolreza Adhami, Talieh Khademian, Recognizing Social Indifference and Factors Affecting it (Case Study: Students of Islamic Azad University of Tehran), *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2022:5(4): 747-762.

1. PhD student, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: a_adhami@iau-tnb.ac.ir

Article History

Received: 2021/01/21
Accepted: 2022/02/19

ABSTRACT

Purpose: Social indifference as a moral concept and a sociological phenomenon means little interest or lack of belonging in the social life of people and the opposite of social participation, and the occurrence and prevalence of such a phenomenon in the young university generation can cause acute social problems. Therefore, addressing it in a region or a city can help clarify it. The aim of this research is to know the social indifference and the factors affecting it. The statistical population studied is the students of Islamic Azad University of Tehran.

Materials and Methods: 380 of them were selected by stratified random sampling. Research method, survey and data collection tool is researcher-made questionnaire. Confirmatory factor analysis and content validity were used to measure the validity of the questionnaire, and Cronbach's alpha coefficient was used to determine the reliability of the items. The collected data were analyzed using SPSS software. Pearson's correlation coefficient statistical test and multiple regression analysis were used to evaluate the research model. In order to explain social indifference among students, variables such as individualism, idolatry of money, relative deprivation, reduction of social health, mistrust, meaninglessness and powerlessness were considered as independent variables (predictors) in this research.

Findings: The findings show that between the variables of individualism (0.265), idolatry of money (0.486), feeling of relative deprivation (0.432), reduction of social health (0.432), meaninglessness (0.267), Distrust (0.245) and powerlessness (0.397) have a direct and significant correlation with social indifference ($P < 0.01$).

Conclusion: According to the stepwise multivariate regression analysis test, four variables of money idolatry with value (Beta=0.348), social health reduction (Beta=0.204), relative deprivation (Beta=0.215) and powerlessness (148) (Beta=0.0) remained in the regression model and these four variables predict 38% of students' social indifference changes.

Keywords: Social Indifference, Idolatry of Money, Feeling of Relative Deprivation, Reduction of Social Health, Powerlessness.

شناخت بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه؛ دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران)

ندا سیدین^۱

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عبدالرضا ادهمی^{۲*}

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

طلیعه خادمیان^۳

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: بی‌تفاوتی اجتماعی به مثابه مفهومی اخلاقی و یک پدیده‌ای جامعه‌شناختی به معنای علاقه اندک یا عدم تعلق در حیات اجتماعی آدمیان و نقطه مقابل مشارکت اجتماعی است و بروز و شیوع چنین پدیده‌ای در نسل جوان دانشگاهی می‌تواند باعث بروز مسائل حاد اجتماعی شود از این رو پرداختن به آن در یک منطقه یا یک شهر می‌تواند به روشن شدن آن کمک کند. هدف این پژوهش شناخت بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل موثر بر آن است. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران می‌باشد.

مواد و روش‌ها: تعداد ۳۸۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی انتخاب شدند. روش پژوهش، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی و اعتبار محتوایی و برای تعیین پایایی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد سنجش قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و سنجش مدل پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. به منظور تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان متغیرهایی نظیر فردگرایی، بت‌وارگی پول، محرومیت نسبی، کاهش سلامت اجتماعی، بی‌اعتمادی، بی‌معنایی و بی‌قدرتی بعنوان متغیرهای مستقل (پیش‌بین) در این پژوهش در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که بین متغیر فردگرایی (۰/۲۶۵)، بت‌وارگی پول (۰/۴۸۶)، احساس محرومیت نسبی (۰/۴۳۲)، کاهش سلامت اجتماعی (۰/۴۳۲)، بی‌معنایی (۰/۲۶۷)، بی‌اعتمادی (۰/۲۴۵) و بی‌قدرتی (۰/۳۹۷) با بی‌تفاوتی اجتماعی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: طبق آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام، چهار متغیر بت‌وارگی پول با مقدار $(\text{Beta}) = 0/348$ ، کاهش سلامت اجتماعی $(\text{Beta}) = 0/204$ ، محرومیت نسبی $(\text{Beta}) = 0/215$ و بی‌قدرتی $(\text{Beta}) = 0/148$ در مدل رگرسیونی باقی ماندند و این چهار متغیر ۳۸ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.

کلید واژه‌ها: بی‌تفاوتی اجتماعی، بت‌وارگی پول، احساس محرومیت نسبی، کاهش سلامت اجتماعی، بی‌قدرتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

* نویسنده مسئول: a_adhami@iau-tnb.ac.ir

مقدمه

در ادبیات جامعه‌شناختی غالباً از بی‌تفاوتی اجتماعی^۱ به عنوان پدیده‌ای آسیب‌شناختی، نوعی بیماری اجتماعی، مانعی در راه مشارکت و توسعه و از عوارض شهرنشینی در عصر جدید یاد می‌شود. همان‌گونه که در مقابل آن، هرگونه اعتنای اجتماعی و نوع دوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است. بی‌تفاوتی؛ یعنی نوعی بی‌قیدی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و غیره در جامعه است. یعنی اینکه برای ما مهم نیست چه بر سر دیگران می‌آید. بی‌تفاوتی اجتماعی در قرآن کریم و قانون اساسی نیز نکوهش شده است. هر برنامه‌ریزی معطوف به توسعه اعم از اینکه آن برنامه در سطح ملی یا منطقه‌ای باشد بدون مشارکت فعال نیروهای تربیت شده، علمی و کارآمد مقدور نیست. نیروی انسانی، بویژه نیروی متخصص و ماهر در توسعه ملی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. اگر ثروت ملی جامعه‌ای را بدقت مطالعه کنیم با دو نوع منابع سرمایه‌ای مواجه می‌شویم: سرمایه مادی و سرمایه انسانی. وجود نیروی انسانی متخصص و ماهر است که سرمایه مادی را به کار می‌اندازد. کمبود نیروی متخصص سبب رکود سرمایه مادی می‌شود و تولید و بازتولید رو به افول می‌گذارد. اهمیت نیروی متخصص نه تنها کمتر از سرمایه مادی نیست، بلکه حتی در بعضی از زمینه‌ها مهم‌تر از آن است. اگر منابع زیرزمینی کشوری را مورد توجه قرار دهیم که در اثر فقدان یا کمبود نیروی متخصص همچنان بی‌صرف مانده است، آن وقت به اهمیت مغزهای اندیشمند و دانشمندان پی خواهیم برد، زیرا صاحبان همین مغزها هستند که سرمایه مادی زیرزمینی را در فرایند تولید و بازتولید تکنولوژی پیشرفته‌تر قرار می‌دهند، واضح است که بدون وجود این متخصصان، تکنولوژی‌ها و ماشین‌های پیشرفته، جز قراضه‌های آهن بیش نیستند و اکثر این متخصصان و نیروهای کارآمد فنی از درون دانشگاه‌ها و مراکز علمی بیرون می‌آیند (۱).

در برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) پنج اصل اساسی برای حکمرانی مناسب بیان شده است:

۱- مشارکت و مشروعیت^۲: براساس این اصل مردم باید به طور مستقیم یا از طریق موسسات قانونی در تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. این عمل برای آزادی، آزادی بیان و ظرفیت‌سازی

^۱- Social apathy

^۲ Participation and Legitimacy

ساختاریافته استفاده شده و ضمن ارائه تعریفی بومی از مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی و گونه‌شناسی انواع موقعیت‌های اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان، انتخاب بی‌تفاوتی را در نسبت با موقعیت‌های اجتماعی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس یافته‌ها، در نسبت با دو حوزه تقابل نمادین اصلی «برابری-نابرابری» و «صمیمیت-غریبگی» که در فرایند تعاملی ایرانیان وجود دارد شش نوع موقعیت اجتماعی برای خلق بی‌تفاوتی اجتماعی قابل شناسایی است.

- جهانگیری و محمدی پژوهشی انجام دادند با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز» و به این نتیجه رسیدند که بین امید سیاسی و مولفه‌های آن با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد بدین صورت که هر چقدر مطلوبیت از حقوق شهروندی، خوشبینی به سیاست‌گذاری‌ها و اعتقاد به مشروعیت حکومت در سطح بالایی باشد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افراد کاسته می‌شود.

- فیروزجانیان و همکاران، تحقیقی تحت عنوان «بی‌تفاوتی زیست محیطی به مثابه بی‌تفاوتی اجتماعی» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بی‌تفاوتی زیست محیطی افراد با سطح تحصیلات رابطه معنی‌داری دارد و همچنین بی‌تفاوتی زیست محیطی تحت تاثیر متغیرهای احساس مسئولیت، دانش زیست محیطی و اثربخشی می‌باشد و با افزایش این متغیرها بی‌تفاوتی زیست محیطی کاهش می‌یابد.

- عنبری و غلامیان (۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی»، به این نتیجه رسیدند که هرچه میزان اعتماد در جامعه کاهش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی بیشتر می‌شود یعنی بی‌اعتمادی و نارضایتی خود به مثابه شاخصی همگرا با بی‌تفاوتی عمل کرده‌اند.

- قایدگیوی و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی» که شهروندان شهر شیراز را مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد که بین بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس ناامنی رابطه معناداری وجود داشت. همچنین بین بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس محرومیت نسبی رابطه معنی‌دار مستقیم وجود داشت.

- نوابخش، میرزاپوری (۴)، عنوان پژوهش «تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل)» گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر بی‌هنجاری و وضعیت آنومیک جامعه ایران بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تدوین شده است. تحلیل و بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است، همچنین با افزایش سن و درآمد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود. میان متغیر بی‌هنجاری و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد، بطوری که با افزایش (یا کاهش) بی‌هنجاری، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش (یا کاهش) می‌یابد. همچنین میان بی‌هنجاری و بعد بی‌تفاوتی مدنی رابطه معناداری وجود دارد ولی میان بی‌هنجاری و بعد بی‌تفاوتی نوع دوستانه رابطه‌ای معناداری مشاهده نشده است.

شکل می‌گیرد. حکمرانی سبب می‌شود که افراد با اتفاق نظر به بهترین سیاست‌ها و بهترین فایده‌ها برسند.

۲- هدایت و جهت‌دهی: رهبران جامعه باید برای نیل به توسعه با دیدی گسترده و بلندمدت، با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی عمل کنند.

۳- اجرا: براساس این اصل، موسسات و رهبران باید ضمن ارائه خدمت به همه مخاطبان، با کارایی و اثربخشی به تمامی نیازها پاسخگو باشند.

۴- حساب پس دادن: تصمیم‌گیران در برابر بخش‌های مختلف جامعه اعم از سازمان‌ها و افراد مسئول‌اند. ایشان با شفافیت منابع اطلاعات را برای نظارت در اختیار همه بخش‌ها قرار می‌دهند.

۵- برابری و انصاف: چارچوب‌های قانونی باید عادلانه و بدون هیچ‌گونه تبعیض علیه زنان یا مردان به اجرا در آیند (۲). اما در جامعه ایران متأسفانه شاهد این اصول نیستیم در واقع مقاطع مختلف تاریخ ایران، فرصت‌هایی برای ایجاد و به فعلیت درآمدن این رفتارها بوده است که با وجود ظهور و بروز مقطعی آنها، انباشت مستمری از این‌گونه رفتارها به سختی قابل شناسایی است. امروزه جامعه ایران در ابعاد وسیعی شاهد فردگرایی منفی و غیرعقلایی است. رسالت جامعه‌شناسی بررسی علمی مسایل و مشکلات اجتماعی و ارائه راه حل برای مرتفع کردن آنهاست. این رسالت در مورد جامعه ایران که اصطلاحاً دوران گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کند و ورود عناصر متنوع فرهنگ مدرن به ایجاد تغییرات بنیادین در ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ آن منجر شده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به مواردی که ذکر شد می‌توان از مصادیق بی‌تفاوتی در بین دانشجویان به این موارد اشاره کرد: عدم هدفمندی و امید به آینده، قانون‌گریزی، احساس سردرگمی، استفاده از ابزار نامشروع برای رسیدن به هدف، ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی. در این پژوهش کوشش شده است که دلایل بی‌تفاوتی دانشجویان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و ضمن آن به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده شود که: با وجود تاریخ، فرهنگ، تمدن ۲۵۰۰ ساله همچنین نهاد قدرتمند مذهب در جامعه ایران چه دلایل و زمینه‌هایی موجب شکل‌گیری بی‌تفاوتی اجتماعی شده است؟ چرا با وجود این همه توصیه‌های اخلاقی و فقهی اسلام، افراد در مواجهه با مسایل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی واکنشی نشان نمی‌دهند؟ آیا دلیل رفتار بی‌تفاوتی اجتماعی به عدم وجود قواعد روشن و صریح در عرصه‌های اجتماعی برمی‌گردد؟ آیا عوامل فرهنگی و اجتماعی همچون: فردگرایی، بت‌وارگی پول، احساس محرومیت نسبی، کاهش سلامت اجتماعی، بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی افراد تاثیر دارد؟

پیشینه تحقیقات:

تحقیقات داخلی

- علمدار و همکاران (۳) پژوهشی با عنوان «فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان» انجام دادند. در این پژوهش در قسمت چارچوب نظری از روش اتنومتدولوژی و بر مبنای ایده‌های گارفینکل و همچنین نظریه بیمین در مورد بافت تعاملی ایرانیان با استفاده از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه

3 - Accountability

4 Fairness

1 - Direction

2 - Performance

روی خود داشتند، در برنامه‌ها سختگیری لازم وجود نداشت و دانش آموزانی که از نظر علمی یا رفتاری تلاش میکردند کمتر مورد حمایت مناسب قرار می‌گرفتند.

- کاراتو و نیمار^۴ (۱۰) پژوهشی کیفی انجام دادند با عنوان بی تفاوتی اجتماعی و مشارکت سیاسی، و به این نتیجه رسیدند که بی تفاوتی در جوامع غربی در حال افزایش است و مردم به این دلیل که نسبت به سیاست‌های موجود بدبین هستند در فعالیت‌های سیاسی نظیر انتخابات کمتر شرکت می‌کنند. آنان راهکارهای کاهش بی تفاوتی افراد را مشاوره و گفت‌وگوهای رودر رو به منظور رفع بدبینی و بی‌اعتمادی دانستند و این را تنها راه حل برای رفع شبهات فکری درباره سیاست‌های موجود می‌دانند.

- گنس^۴ (۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و بی تفاوتی اجتماعی در ایالت متحده آمریکا پرداخته و مسأله بی تفاوتی را در ارتباط با متغیرهای مهمی مانند احساس فتور و ناتوانی، بیگانگی اجتماعی، نارضایتی از نظام اجتماعی، تقلیل تعلق اجتماعی، انگیزه‌های فردی و مواردی از این قبیل قرار داده و معتقد است بی تفاوتی اجتماعی زمانی بروز و شیوع بیشتری یابد که متغیرهای یاد شده، فراوانی کمی و کیفی بیشتری داشته باشند.

- وایت دین^۵ (۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه میان بیگانگی و بی تفاوتی جامعه می‌پردازد. وی بیگانگی را با توجه به برخی متغیرهای مورد نظر سیمن مورد بررسی قرار می‌دهد. فرضیه‌های این تحقیق شامل روابط مثبت میان بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و بی تفاوتی سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد که در پایان محقق به این نتیجه دست یافت که رابطه معنادار میان بی تفاوتی سیاسی و بیگانگی وجود دارد.

جمع بندی پیشینه‌های تحقیق

از نکات مثبت تحقیقات داخلی و خارجی ذکر شده جمع‌آوری اطلاعات موضوعی و مقیاس‌های اندازه‌گیری آنهاست که بسترهای مناسب و مفیدی را برای اجرای بهتر پژوهش فراهم می‌سازند. اما از نکات ضعف پیشینه‌های تجربی این است که اکثر پژوهش‌ها به بی تفاوتی تنها از بعد سیاسی پرداخته‌اند. به طور کلی درباره پژوهش‌های مطرح شده در این بخش می‌توان گفت که هیچ یک از این مطالعات، چه داخلی و چه خارجی، به صورت مستقیم به بحث در زمینه بی تفاوتی و رابطه آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی نپرداخته است. به همین منظور بی تفاوتی اجتماعی را براساس ابعادی سنجیدیم که در پژوهش‌های مشابه قبلی سنجیده نشده و یا با هدفی که ما در این پژوهش داشتیم در نظر گرفته نشده بود. و متغیرهای که در این تحقیق به کار برده شده به نوعی بیانگر نوآوری آن است. از طرفی بی تفاوتی مدنی از جمله مفاهیمی است که در مطالعات تجربی و میدانی، به ویژه در رشته جامعه‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کاستی در عرصه تحقیقات، به ویژه در داخل ایران، به وضوح قابل پیگیری است. بر همین اساس، در این تحقیق

- ظهیری‌نیا و همکاران^۵ (۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی» نشان دادند که میان متغیرهای سن، گروه تحصیلی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی از بی تفاوتی اجتماعی رابطه آماری معنی دار وجود دارد. - نواح و همکاران (۴) در تحقیقی با عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی در بین جوانان شهر دزفول به این نتیجه رسیدند که بین پایگاه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و فردگرایی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و این متغیرها ۳۰ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کنند.

- صدیقی فرد و محسنی تبریزی (۶)، پژوهشی با عنوان «مطالعه بی تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، انجام دادند و نتیجه گرفتند که میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات با بی تفاوتی اجتماعی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی؛ بی‌هنجاری (آئومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش، و التزام مدنی رابطه معنی‌داری بدست آمد.

- نادری و همکاران (۷) در مطالعه‌ای درباره بی تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد متغیر بیگانگی اجتماعی احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، ناهنجاری، انزوای اجتماعی، تنفر از خویشتن و بی‌اعتنایی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

تحقیقات خارجی

- آنا زلینا^۱ (۸) در تحقیقی با عنوان سندرم بی تفاوتی و اینکه چگونه ما تربیت شده‌ایم که به سیاست اهمیت ندهیم نقش عواطف در جنبش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داد که به بررسی فرآیندهای تفکر و احساس درگیر در تولید نگرش‌های غیرسیاسی با توجه ویژه به بافت اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته و به این نتیجه رسید که هنجارهای فرهنگی مناسب بودن و بیان عاطفی می‌تواند مانع یا تقویت احساسات درگیر در فرآیندهای بسیج شود. براساس ۶۰ مصاحبه با جوانان در دو شهر روسیه، که در جریان و پس از اعتراضات ضد رژیم ۲۰۱۱-۲۰۱۲ جمع‌آوری کرد، که سندرم بی تفاوتی می‌تواند ترکیبی از مکانیسم‌های احساسی و هنجارهای فرهنگی باشد که باعث ایجاد بی تفاوتی سیاسی می‌شود تجارب نامیدکننده شخصی به بدبینی طولانی مدت و بی‌اعتقادی به کارآمدی کنش جمعی تبدیل می‌شود، فرآیندی که با انتقال بی تفاوتی در خانواده‌ها و مؤسسات آموزشی و همچنین با هنجارهای فرهنگی احساسات مناسب تشدید می‌شود. کلیشه‌های فرهنگی و جدایی از دیگران به مردم کمک می‌کند تا با این دام کنار بیایند و بی‌عملی را توجیه کنند.

- اسکو^۲ (۹) در پژوهش که به روش کیفی انجام داد با عنوان مقابله با بی تفاوتی دانش آموزی به منظور تربیت دانش آموز متعهد، طی سه سال به جمع‌آوری داده‌ها از مدرسه‌ای در حومه مریلند به این نتیجه رسید که مدرسه با مشکل بی تفاوتی دانش آموزان روبه‌روست. یافته‌ها حاکی از آن بود که دانش آموزان دلیل بی تفاوتی خود را اینگونه بیان بررسی می‌کرده‌اند که انتخاب محدودی پیش

4 - Gans.H

5 - Dwight Dean

1- Anna Zhelnina

2- Schou

3 - Curato, N & Niemeyer, S

خلاقیت، آزادی خود را از دست می‌دهند و این از یک منظر نوعی بی‌تفاوتی را در جامعه تداعی می‌کند. وبر به گسترش کنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن توجه دارد بروکراتیزه شدن فرایند امور و عقلانی شدن کنش‌ها را موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران تحلیل می‌کرد (۱۵).

جرج لوکاج^۲

بیگانگی که لوکاج از آن یاد می‌کند نیز ناظر بر حیات غیرانسانی و شیء‌واره‌ای است که بر صفات انسانی مستولی می‌شود. او نیز سرمایه‌داری حاکم را مسبب چنین وضعیتی قلمداد کرده و آن را بخش مهمی از مصادیق بیگانگی می‌داند. لوکاج در نظریه شیء‌گرایی بیان می‌کند که دنیای اجتماعی نیز مانند دنیای طبیعی به مثابه دنیایی از اشیا پدیدار می‌شود. جامعه به یک طبیعت ثانوی تبدیل می‌شود به نظر می‌رسد که به اندازه قوانین تابش خورشید را متوقف کنیم قادر به تغییر جامعه هم نیستیم همه این مطالب فقط ظاهر قضیه نیست فرایندی که در بت‌شدگی کالا و شیء‌شدگی عمل می‌کند باعث شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی خارجی می‌شود که انسان‌ها را به عروسک‌های خیمه شب بازی تبدیل می‌کند (۱۶). مرتن^۳:

مرتن بی‌تفاوتی اجتماعی را معادل با کناره‌گیری افراد دانسته و آن را به این صورت تعریف می‌کند که: بی‌تفاوتی اجتماعی یعنی نفی هر دو طرف طیف (اهداف و شیوه‌های نهادی شده) توسط افراد جامعه. زمانی که هم اهداف و هم شیوه‌های نهادی شده در جامعه مورد قبول افراد جامعه نباشد در این صورت بی‌تفاوتی اجتماعی رخ می‌دهد (۱۷).

سی‌رایت میلز^۴

میلز همصدا با بسیاری از نظریه پردازان دیگر از جمله مارکوزه^۵ و باتامور^۶ بر آن بود که طبقه متوسط خصلت انقلابی خویش را از دست داده و به افرادی جدا از هم و نامتشکل و پراکنده تبدیل شده است و قشر وسیعی از مردم دنیای معاصر صنعتی را دربر گرفته است. این افراد بی‌تفاوت، بی‌علاقه و بدون جوشش زندگی و سرخورده از جبر اجتماعی و بیگانگی با پرسش‌های حیاتی تاریخ بشر در لاک غفلت سر فرو برده‌اند و از کنار هر مسئله‌ای به راحتی می‌گذرند و بیشتر خواهان حفظ مراتب طبقاتی، پرستیژ و منزلت اجتماعی خود هستند و همین علاقه باعث می‌شود بصورت تشکل در نیایند و با هراس و سراسیمه به دنبال الگوهای عادی جامعه و برنامه‌های تحمیل شده نظام حاکم باشند (۱۸).

زیمل^۷

زیمل به خصلت زندگی شهری نوین در پدید آوردن بی‌تفاوتی توجه دارد. وی بر این باور است که شاید هیچ پدیده روانی به اندازه «نگرش از روی بی‌اعتنایی» این چنان بی‌قید و شرط، مختص شهر نباشد. درست همانطور که زندگی بیش از حد احساسی، شخص را

در نظر داریم که این مفهوم را از زاویه ای جدید و با دیدی نو مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

مبانی نظری

نظریه بت‌وارگی^۱ مارکس

بت‌وارگی واژه‌ای است که مارکس برای توصیف گسیختن از انجام شدن بکار می‌برد. بت‌وارگی هسته بحث مارکس در مورد قدرت و مرکزیت تمام مباحث راجع به تغییر دنیایم باشد. در واقع این مرکزیت استدلال این کتاب می‌باشد. بت‌وارگی، از خیلی قبلها که بحث شد، معمولاً به عنوان سقوط در بحث فلسفه یا نكوهش فرهنگی دیده شده است. با سقوط و طبقه بندی در این راه، مفهوم نیروی انفجاری خود را از دست می‌دهد. نفوذ مفهوم در آن قرار می‌گیرد، آن به وحشت غیر قابل تحمل منتسب می‌شود: خود نفی انجام دادن. مارکس جوان، خود نفی انجام دادن را در بعد بت‌وارگی بحث نمی‌کند بلکه در مد «بیگانگی» و یا «غربت» بحث می‌کند. مارکس تاریخ نوع بشر را جنبه‌ای دوگانه می‌داند، یعنی از یک‌سو، تاریخ، نظارت انسان بر طبیعت است و از سوی دیگر، تاریخ، از خود بیگانگی هر چه بیشتر انسان است؛ در نتیجه از خود بیگانگی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن، انسان‌ها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده‌شان قرار می‌گیرند و این نیروها به عنوان قدرت‌های بیگانه در برابرشان می‌ایستند. این مفهوم در کانون نوشته‌های نخستین مارکس، جای دارد و در نوشته‌های بعدی‌اش نیز البته دیگر نه به عنوان یک قضیه فلسفی بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی، همچنان جای مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. به عقیده مارکس، همه نهادهای عمده جامعه سرمایه‌داری، از دین و دولت گرفته تا اقتصاد سیاسی، دچار از خود بیگانگی‌اند. این جنبه‌های از خود بیگانگی، وابسته به یکدیگرند. از نظر مارکس بیگانگی عمدتاً زمانی آغاز می‌شود که انسان نسبت به چیزی که در اصل متعلق به خود اوست احساس خویشی نمی‌کند. این مساله نسبت به هر چیزی در جامعه همانند، مذهب، دولت، سازمان و کار ممکن است اتفاق بیفتد. بنابراین بیگانگی انسان ممکن است با سازمان یا کاری که می‌کند و نیز محیط اجتماعی او پیش بیاید. این بیگانگی ممکن است در افراد خاصی و یا قشر و طبقه ویژه ای ظاهر شود (۱۳). ماکس وبر^۲:

از نظر وبر دستاوردهای دردناک نظام سرمایه‌داری همان «قفس آهنینی» است که به رشد روزافزون نهیلیست‌ها، پانک‌ها، ژولیدگان و هیپی‌ها و سرانجام انواع صورت‌های انزوای اجتماعی منجر می‌شود (۱۴).

از دیدگاه وبر دیوان‌سالاری (بوروکراسی) نگرش بیگانه و انسانیت زدایی شده‌ای را به وجود می‌آورد که به گفته وبر در جهت حذف عشق، نفرت و همه عناصر صرفاً شخصی، غیرعقلانی و عاطفی که از محاسبه می‌گریزند عمل می‌کند. وی معتقد بود افراد در این نظام به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند و حس فردیت،

5 - C. Wright Mills

6 - Marcuse

7 - Bottomore

8 - Simmel

1 - Fetishism

2 - Max Weber

3 - George Lukacs

4 - Merton

نظریه محرومیت نسبی گار^۱

گار محرومیت نسبی را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی‌های ارزشی^۲ و انتظارات ارزشی^۳ می‌داند. انتظارات ارزشی عبارتند از: منافع و شرایطی از زندگی، که مردم خود را در حصول آن ذیحق می‌دانند اما توانایی‌های ارزشی بستگی به محیط اجتماعی و فیزیکی داشته و عبارت از ظروفی که بحث مردم را برای تحصیل یا حفظ ارزش‌ها معین می‌کند. به بیان دیگر، محرومیت نسبی عبارت است از تفاوت میان انتظارات مشروع و برآورد مدعیان نسبت به احتمال دسترسی به هدف، بنظر تدرابرت گار محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنهاست. گار برای محرومیت نسبی دو الگوی متمایز را معرفی می‌نماید: ۱- محرومیت نزولی^۴: که در آن انتظارات ارزشی یک گروه، نسبتاً ثابت باقی می‌ماند اما این تصور وجود دارد که توانایی‌های ارزشی رو به کاهش‌اند. ۲- محرومیت ناشی از بلندپروازی یا محرومیت آرزویی: در این گونه محرومیت، توانایی‌های ارزشی بطور نسبی ایستا باقی‌مانده ولی انتظارات افزایش یافته و تشدید می‌شوند (۲۰). بسیاری از جامعه‌شناسان بحث می‌کنند که نابرابری در درآمدها و احساس محرومیت نسبی به سایر افراد می‌تواند به ادراک فشار از جانب ساختار اجتماعی و نارضایتی اجتماعی بی‌انجامد. این نظریه به اثرات ناشی از احساس محرومیت بر رفتارها، نگرش‌ها و رضایت افراد تمرکز دارد. همچنین به این مبحث تأکید می‌کند که محرومیت اقتصادی امری نسبی است و به گروه مرجعی که فرد خود را با آن مقایسه می‌کند. هر چقدر فرد خود را با افراد بهره‌مندتر اجتماعی به لحاظ استانداردهای زندگی مقایسه کند، فارغ از وضعیت عینی که دارد، احساس محرومیت بیشتری دارد و این احساس محرومیت پیامدهای رفتاری و نگرشی برای فرد در پی دارد (۲۱).

نظریه لئون فستینگر

بنا به نظریه مقایسه اجتماعی لئون فستینگر هرگاه افراد به معیارها و استانداردهای عینی دست پیدا نکنند، عقاید و استعدادها خود را با عقاید و استعدادها دیگران مقایسه می‌کنند؛ در فرایند این مقایسه، افراد تمایل خواهند داشت که خود را با اشخاصی که عقاید و استانداردهای آنان شبیه خود آنهاست، مقایسه کنند و نه با اشخاصی که عقاید و استعدادهاشان با آنها تفاوت فاحش دارد (۲۲).

دیدگاه سلینگمن^۵ و بی تفاوتی اجتماعی

ایده (درماندگی آموخته شده)^۶ سلینگمن کمک شایانی به فهم پدیده (بی تفاوتی) کرده است. سلینگمن بعنوان یک روانشناس تجربی، ایده درماندگی آموخته شده را حین کار آزمایش گاهی در مورد (تقویت منفی) صورت‌بندی کرد. از این منظر، تقویت منفی همان تنبیه نیست بلکه زمانی ظاهر می‌شود که یک پاسخ مشخصی را می‌آموزد شوک درآورد، یک تقویت منفی است. وی نام این وضعیت را درماندگی آموخته شده گذاشت و تأکید کرد که در این آزمایش، پذیرفتن احساس عدم کنترل نقش کلیدی ایفا می‌کرد و به این نتیجه رسیده احساس

بی‌اعتنایی کند زیرا اعصاب را تا نهایت واکنش‌پذیری شان تحریک می‌کند تا آن که سرانجام دیگر نتوانند اصلاً هیچ واکنشی تولید کنند؛ همان طور هم محرک‌هایی که کمتر مضر هستند، به واسطه سرعت و در تضاد بودن انتقال شان، اعصاب را به واکنش‌هایی شدیداً خشونت بار مجبور می‌کنند و آنها را آن چنان بیرحمانه ویران می‌کنند که آخرین ذخایر نیروی شان را تمام کنند و اگر در همان محیط باقی ماندند، برای ساختن ذخایر جدید، وقت نداشته باشند. این ناتوانی به واکنش نشان دادن به محرکات جدید، نگرش از روی بی‌اعتنایی را می‌سازد که هر کودک متعلق به شهر بزرگ، هنگامی که با تولیدات محیط صلح آمیزتر و با ثبات‌تر مقایسه شود، از خود بروز می‌دهد (۱۹).

زیمل معتقد است که در گذر از اجتماع (گماینشافت) به جامعه (گزلشافت)، روابط اجتماعی غیرشخصی و ابزاری می‌شوند. در جامعه، رابطه اجتماعی دیگر خودانگیخته، عاطفی و شخصی نیست، بلکه ساختگی، سرد و کارکردی است. در جامعه زندگی مشترک بیش از پیش صورت ناب «جامعه بی نام» را به خود می‌گیرد، هر شخص بدون آن که با تمام وجودش درگیر باشد، دیگری را حامل نقش خاصی که وظیفه خاصی را به عهده دارد ملاحظه می‌کند، یعنی به عنوان وسیله‌ای در میان وسایل دیگر که باید در مجموعه غایت شناختی خودش بگنجانند. یکی خدماتش را عرضه می‌کند، دیگری بهایش را می‌پردازد و در جایی که هر یک برای دیگری وسیله‌ای بیش نیست، همه جانشینی شدنی هستند. پول که انسان‌ها را با جدا کردن از یکدیگر متحد می‌کند، مایه «سردی» روابط اجتماعی است. در روابط پولی تعلقات عاطفی خنثی شده هستند. اشخاص دور هم جمع می‌شوند ولی هویت شان را نیز حفظ می‌کنند.

نظریه سلامت اجتماعی کیز

کیز سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از هنجارها و چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی به عنوان عضوی از آنهاست، تعریف می‌کند. وی معتقد است کسانی که در جامعه حضور فعال دارند از سلامت روانی بیشتر برخوردار هستند کیز سلامت روانی را احساس خوب و رضایت از زندگی می‌داند و معتقد است سلامت اجتماعی به مشارکت اجتماعی افراد، همبستگی، پذیرش اجتماعی بستگی دارد. کیز سلامت اجتماعی را توانایی فرد در تعامل موثر با دیگران و اجتماع به منظور ایجاد روابط ارضاء کننده شخصی و به انجام رساندن نقش‌های اجتماعی تعریف می‌کند سلامت ابعاد مختلفی دارد که بیشتر بر ابعاد فردی آن تأکید می‌شود اما آنچه سلامت یک جامعه را تعیین می‌کند شاخص‌هایی است که به عنوان سلامت اجتماعی شناخته می‌شوند سلامت اجتماعی دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، اقتصادی و سیاسی است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند همچون مشارکت، همبستگی، اعتماد.

4 - Decremental Deprivation

5 - Seligman

6 - Learned Helpness

1 - Guuarr

2 - Value Capabilites

3 - Value Expectations

ها و پاداش‌ها هم می‌توانند ملموس و عینی و هم غیرملموس و ذهنی باشند.

دیدگاه نظریه‌پردازانی همچون فریزر، پاتنام، دانیل لرنر، هانتینگتون و نلسون و بی‌تفاوتی اجتماعی

جیمز فریزر مشارکت را با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌کند؛ هر چند که معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. براساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه بر مشارکت مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواسته‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است (۲۴).

پاتنام معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت‌یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند (۲۵).

دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. او از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد (۲۶).

هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند به نظر آنها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند (۲۷).

نظریه اینگلهارت در باب بی‌تفاوتی اجتماعی:

اینگلهارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند.

اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. بنظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تاحدودی به رویکرد آلموند و وربا شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. اینگلهارت همچنین سرمایه اجتماعی

درماندگی آموخته شده به سادگی از بین نمی‌رود. براساس مطالعات او، انسان‌هایی که از حل مشکلات قابل حل درمانده شده‌اند، دچار ناتوانی در آغاز تلاش برای حل مسئله می‌شوند از نظر یالوم^۱ ایده درماندگی آموخته شده سلیگمن یکی از نظریه‌های اصلی افسردگی است که در آن سلیگمن مدعی است که اجزای مختلف افسردگی (هیجانی، شناختی، رفتاری) عواقب یادگیری این برداشت در کودکی است که پیامدها - یعنی تشویق‌ها و تنبیه‌ها - خارج از حیطه کنترل فرد هستند. فردی که می‌آموزد رابطه‌ای علی میان رفتار او و پیامدهایش وجود ندارد نه تنها دیگر به شیوه‌ای موثر و کارآمد عمل نمی‌کند بلکه جنبه‌هایی از افسردگی نیز در او نمایان می‌شود. به زبان اگریستانسیال، این ایده مدعی است افرادی که معتقدند مسئول آنچه در دنیا بر سرشان می‌آید نیستند، با آنکه از پرداخت هزینه‌های اضطراب اگریستانسیال که ملازم آگاهی از مسئولیت است شانه خالی می‌کنند ولی به ادعای سلیگمن دچار جبرگرایی و افسردگی می‌شوند (۲۳).

دیدگاه سیمن و بی‌تفاوتی اجتماعی

سیمن با کمک گرفتن از مفهوم بیگانگی کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه جدید را مسئول ایجاد شرایطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی بگونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنشی منفعلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در مقابل جامعه سوق می‌دهد. در همین راستا، سیمن، طبقه‌بندی معروفی را در یکی از مقالات خود بیان کرده و در آن، متغیرهایی را در بیگانگی کردن انسان مؤثر دانسته از جمله متغیر بی‌قدرتی که سیمن معتقد است احساس بی‌قدرتی^۲ عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را بر آورده نسازد. یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که بر اساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد و یا همینطور احساس بی‌معنایی^۳ که در این حالت، فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد. بنابراین دچار ابهام و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد.

تحلیل هزینه - پاداش یا محاسبه سود و ضرر، مفهومی است در نظریه مبادله که بر اساس آن، افراد در رفتار اجتماعی و کنش متقابل، سعی می‌کنند هزینه‌های خود را به حداقل و منافع یا پاداش‌های خود را به حداکثر برسانند افراد در مواقع مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطرابی، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نوعدوستی و بی‌تفاوتی می‌پردازند و در واقع، بی‌تفاوتی به دیگران یا نوعدوستی مستقیماً تابع پاسخی است که افراد ناظر در یک موقعیت اضطرابی نشان می‌دهند. این هزینه

^۱ - Yalum

^۲ - Powerlessness

^۳ - Meaninglessness

اهمیت این انجمن‌ها و تشکلهای آنها در این است که مجرای برای آموزش مشارکت در تعیین سرنوشت مردم و شراکت در بحث و تصمیم‌گیری جمعی به شمار می‌آیند. از دیدگاه چلبی، انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورند. از یک طرف، تشکلهای مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فرد در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند، و از سوی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت که مشارکت واقعی و هدفمند برون‌داد سازمان‌های غیردولتی است و آنها متولیان این نوع مشارکت در سطح اجتماع هستند. از طرف دیگر، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و اعتماد حاکم بر این روابط بر کیفیت آن افزوده است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. به این معنی که این روابط و کیفیت آن به ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها منجر می‌گردد. متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز در این میان مؤثرند.

با نوعی اعتماد دانسته معتقد است که سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند(همان).

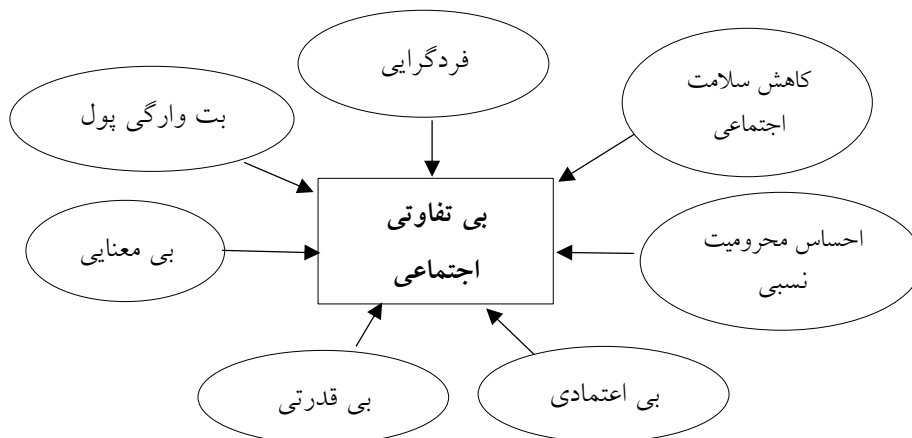
با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی فرایندی سازمان یافته است که افراد که بر مبنای اعتمادی که به یکدیگر پیدا می‌کنند از روی آگاهی و اطلاع و به صورت داوطلبانه و گروهی، با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیل به اهداف و سهم شدن در منابع قدرت می‌گردد به فعالیت مشترک می‌پردازند. عرصه چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی چون گروه‌ها، اتحادیه‌ها، باشگاه‌ها و انجمن‌ها هستند که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و در حوزه‌های گوناگون ایفای نقش می‌کنند. تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است.

جدول ۱. چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق

نظریه	شرح نظریه	فرضیه‌ها
زیمبل-لوکاچ	بعقیده زیمبل اقتصاد پولی با برانگیختن گرایش انسان برای تجرید کردن، توسعه توانایی‌های فکری را به زیان تأثیرپذیری فراهم می‌آورد لیکن همزمان با این مسئله بی‌شخصیتی روابط انسانی را سبب می‌گردد پول بعنوان وسیله آزادی به شخصیت‌زدایی می‌انجامد زیرا گرایش آن به جدایی انسان‌ها از روابط عاطفی عمیق است. لوکاچ نیز معتقد است فرایندی که در بت‌شدگی کالا و شی‌شدگی عمل می‌کند باعث شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی خارجی می‌شود که انسان‌ها را به عروسک‌های خیمه شب بازی تبدیل می‌کند.	بت‌وارگی پول بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
زیمبل-وبر	از نظر زیمبل پول که انسان‌ها را با جدا کردن از یکدیگر متحد می‌کند، مایه «سردی» روابط اجتماعی است. در روابط پولی تعلقات عاطفی خنثی شده هستند. اشخاص دور هم جمع می‌شوند ولی هویت شان را نیز حفظ می‌کنند. وبر معتقد است افراد در نظام دیوانسالاری به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند و حس فردیت، خلاقیت، آزادی خود را از دست می‌دهند و این از یک منظر نوعی بی‌تفاوتی را در جامعه تداعی می‌کند. وی به گسترش کنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن توجه دارد بروکراتیزه شدن فرایند امور و عقلانی شدن کنش‌ها را موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران تحلیل می‌کرد(به نقل از بشیریه).	فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
فستینگر	هرگاه افراد به معیارها و استانداردهای عینی دست پیدا نکنند، عقاید و استعدادها را با عقاید و استعدادها دیگران مقایسه می‌کنند؛ در فرایند این مقایسه، افراد تمایل خواهند داشت که خود را با اشخاصی که عقاید و استعدادها آنان شبیه خود آنهاست، مقایسه کنند و نه با اشخاصی که عقاید و استعدادهایشان با آنها تفاوت فاحش دارد. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است و نشانه‌های بارز آن بیگانگی است.	احساس محرومیت نسبی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
کییز	کییز سلامت روانی را احساس خوب و رضایت از زندگی می‌داند و معتقد است سلامت اجتماعی دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، اقتصادی و سیاسی است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند همچون مشارکت، همبستگی، اعتماد.	کاهش سلامت اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
سیمن	سیمن معتقد است که وقتی فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ احساس تنهایی می‌کند و خود را مفید و اثربخش در جامعه نمی‌داند و به همین دلیل می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند. فردی که از جامعه کناره‌گیری می‌کند یا به اصطلاح می‌گریزد، بدین معناست که به شیوه‌های کارکردی جامعه اعتقادی ندارد و چون نمی‌تواند این روابط و هدف‌ها را نفی کند کناره‌گیری اختیار می‌کند. ممکن است فرد، این حالت انفعالی را به همه چیز تعمیم دهد و همه هدف‌های زندگی اجتماعی خویش را رها کرده، در لاک خود فرو می‌رود.	بی‌معنایی و بی‌قدرتی

اینکلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است و هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی پایین‌تر باشد افراد تمایل کمتری برای مشارکت در امور جامعه دارند

- فرضیات تحقیق
- ۱- به نظر می‌رسد بت وارگی پول بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۲- به نظر می‌رسد فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۳- به نظر می‌رسد احساس محرومیت نسبی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۴- به نظر می‌رسد کاهش سلامت اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۵- به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۶- به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
 - ۷- به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
- مدل نظری تحقیق



مواد و روش‌ها

مقاله حاضر، در پی شناخت بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه؛ دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران) است. در این زمینه، پس از بسط فضای مفهومی موضوع، از رویکردهای نظری زیمل، لوکاج، کارل مارکس، کییز و لئون فستینگر استفاده شد. روش پژوهش، پیمایش و تکنیک مورد استفاده پرسشنامه است که با توجه به متغیرهای مورد نظر و معرفت‌های مربوط به آن از آزمون‌های سنجش نگرش از طریق طیف لیکرت استفاده شد. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد شهر تهران می‌باشند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی استفاده گردید. بدین صورت که ابتدا سهم گروه‌های مختلف مانند رشته‌ها، مقاطع تحصیلی، واحد دانشگاهی و جنسیت از جامعه آماری مشخص شد و به همان نسبت در نمونه به آنها سهم اختصاص داده شد سپس به روش تصادفی از بین طبقات نمونه‌گیری صورت گرفت (بعلت تنوع زیاد رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی و تعدد واحدهای دانشگاهی، رشته‌ها به پنج گروه کلی تقسیم شدند). ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که در برگزیده هفت متغیر (فردگرایی، بت‌واره‌گی پول، احساس محرومیت نسبی، کاهش سلامت اجتماعی، بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی) و بی‌تفاوتی اجتماعی با ۱۵ گویه است. برای تعیین اعتبار

متغیرها از اعتبار صوری و از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی از همسانی درونی ابزار به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این تحقیق برای تحلیل عاملی گویه‌های مرتبط با هر شاخص، با استفاده از روش چرخش عامل‌ها و به صورت متعامد و از روش چرخشی واریماکس استفاده گردیده است. بعلاوه روش تحلیل عاملی مورد استفاده در این تحقیق، به روش تحلیل مولفه‌های اصلی انجام گرفته است. نتایج تحلیل عاملی وجود هفت عامل را تأیید نمود. ملاک استخراج عامل واریانس تبیین و ارزش ویژه، بالاتر از یک بود. از مجموعه گویه‌ها یک گویه از خرده‌مقیاس بی‌اعتمادی، یک گویه از خرده‌مقیاس سلامت اجتماعی و یک گویه از خرده‌مقیاس بت‌واره‌گی پول بدلیل پایین بودن بار عاملی حذف شدند. در نهایت از مجموع ۳۷ گویه ۳۴ گویه باقیمانده است. مقدار ضریب KMO برابر 0.717 می‌باشد. پایایی هر یک از متغیرها نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده است که مقادیر آنها بزرگتر از 0.7 بوده است که نشان‌دهنده متغیرهای مورد بررسی از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردارند. در جدول (۲) جزئیات مربوط به اعتبار و پایایی متغیرها آمده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل

ضریب آلفا		KMO	مقدار واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	متغیرهای مستقل
کل	ابعاد				
	۰/۷۹۵		۱۰/۵۳	۷/۶۱۷	بی معنایی
	۰/۷۱۶		۸/۹۳۶	۳/۷۰۹	بی قدرتی
	۰/۷۵۱		۸/۹۱۹	۳/۰۹۹	بی اعتمادی
۰/۸۸۵	۰/۷۵۵	۰/۷۱۷	۷/۸۲۰	۲/۱۲۹	فردگرایی
	۰/۷۳۵		۷/۶۵۶	۲/۰۸۴	سلامت اجتماعی
	۰/۷۵۶		۷/۶۰۴	۱/۷۶۱	بت‌واره‌گی پول
	۰/۷۰۵		۷/۵۹۲	۱/۴۵۲	محرومیت نسبی

جدول شماره (۳)، مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی
تحقیق است.

یافته‌ها
یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت‌شناختی

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	زنان	۲۱۰	۵۵/۳
	مردان	۱۷۰	۴۴/۷
	کل	۳۸۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	متأهل	۲۲۶	۵۹/۴۷
	مجرد	۱۵۴	۴۰/۵۳
	کل	۳۸۰	۱۰۰
سطح درآمد	کمتر از ۱ میلیون	۳۳	۸/۶۸
	۱ تا ۲ میلیون	۷۰	۱۸/۴۲
	۲ تا ۵ میلیون	۱۱۲	۲۹/۴۷
	۵ تا ۱۰ میلیون	۱۲۳	۳۲/۳۷
	بیشتر از ۱۰ میلیون	۴۲	۱۱/۰۵
	کل	۳۸۰	۱۰۰

سن دانشجویان

میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۳۲/۷۷	۷/۷۰۶	۲۰	۴۹

بی قدرتی، فردگرایی و سلامت اجتماعی خیلی نزدیک به میانگین نظری بدست آمده است.

براساس اطلاعات جدول (۴) ملاحظه می‌گردد که نمره میانگین محاسبه شده برای متغیرهای بی تفاوتی اجتماعی و بی معنایی، بی اعتمادی، احساس محرومیت نسبی بزرگتر از میانگین نظری بوده و بعد بت‌واره‌گی پول کمتر از میانگین نظری بدست آمده است ولی بعد

جدول ۴. توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	میانگین نظری
بی تفاوتی اجتماعی	۴۸/۰۱	۱۰/۷۲	۰/۳۳۱	۲۰	۷۳	۴۵
بی معنایی	۲۱/۹۱	۴/۳۶۶	-۰/۶۸۵	۸	۳۰	۱۸
بی اعتمادی	۲۳/۶۲	۳/۹۹۷	-۰/۷۲۷	۹	۳۰	۱۸
بی قدرتی	۱۴/۸۸	۴/۳۳۳	۰/۲۵۰	۷	۲۵	۱۵

۱۵	۲۰	۵	-۰/۱۰۱	۳/۷۴۴	۱۳/۰۲	بت‌واره‌گی پول
۱۵	۲۵	۷	-۰/۰۴۹	۴/۱۱۴	۱۵/۴۷	فردگرایی
۱۵	۲۵	۶	-۰/۰۵۵	۳/۹۴۳	۱۷/۱۵	محرومیت نسبی
۱۵	۲۰	۵	-۰/۸۷۲	۳/۲۵۴	۱۵/۶۰	سلامت اجتماعی

تأیید فرضیه‌های اول تا هفتم پژوهش نشان می‌دهند که میان متغیرهای مستقل با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در ضمن مثبت بودن ضرایب همبستگی حاکی از این است که با افزایش نمرات متغیرهای مستقل، نمرات بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان نیز افزایش پیدا می‌کند.

یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفت. در جدول (۵) همبستگی میان متغیرهای مستقل پژوهش (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی، بت‌واره‌گی پول، فردگرایی، محرومیت نسبی، سلامت اجتماعی) با بی‌تفاوتی اجتماعی نشان داده شده است. این یافته‌ها با

جدول ۵. همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان

بی‌تفاوتی اجتماعی			متغیرها	فرضیه‌ها
R	P	r		
۰/۲۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۶	بت‌واره‌گی پول	فرضیه ۱
۰/۰۷۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	فردگرایی	فرضیه ۲
۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	محرومیت نسبی	فرضیه ۳
۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	سلامت اجتماعی	فرضیه ۴
۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	بی‌معنایی	فرضیه ۵
۰/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	بی‌اعتمادی	فرضیه ۶
۰/۱۵۸	۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	بی‌قدرتی	فرضیه ۷

این پیش‌فرض در صورتی رعایت می‌شود که مقدار این آماره بزرگتر از ۱/۵ و کوچکتر از ۲/۵ باشد. با مراجعه به جدول (۶) آشکار می‌شود که روش گام‌به‌گام تحلیل رگرسیون تا گام چهارم اجرا شد. در گام اول متغیر بت‌واره‌گی پول وارد تحلیل شد و به تنهایی حدود ۲۳٪ تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی کرد. متغیر دوم بعد کاهش سلامت اجتماعی بود که وارد معادله شد و با ورود آن R^2 به ۳۳٪ افزایش یافت. در گام سوم معادله با ورود متغیر بعد محرومیت نسبی R^2 به ۳۶/۹٪ افزایش یافته و در گام چهارم و نهای با ورود متغیر بی‌قدرتی مقدار R^2 به ۳۸٪ افزایش یافت. ضریب تأثیر ابعاد بت‌واره‌گی پول، محرومیت نسبی، کاهش سلامت اجتماعی و بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی به ترتیب ۰/۳۴۸، ۰/۲۱۵، ۰/۲۰۴ و ۰/۱۴۸ می‌باشد. این بدان معناست که این چهار بعد متغیر ۳۸ درصد از واریانس متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند.

بمنظور بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (بی‌تفاوتی اجتماعی) و بررسی این نکته که مجموع متغیرهای مستقل چند درصد از واریانس (تغییرات) متغیر وابسته را تبیین می‌کند، از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام^۱ استفاده شد. در این روش ورود متغیرها خارج از اختیار پژوهشگر است. یعنی ترتیب ورود متغیرها براساس بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر ملاک یا وابسته وارد تحلیل می‌شود. همچنین در مدل رگرسیونی، صرفاً متغیرهای مستقلی وارد می‌شوند که همبستگی معناداری با متغیر وابسته داشته‌اند زیرا یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون وجود همبستگی بین متغیرهای وابسته باشد. پیش‌فرض دیگر نرمال بودن داده‌ها بود و از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شده که عدم معنادار شدن آن، دلیلی بر نرمال بودن داده‌ها بود. همچنین بررسی پیش‌فرض استقلال باقیمانده‌ها با استفاده از آماره دوربین واتسون نشان داده که این پیش‌فرض نیز رعایت شده است (۱/۷۵).

¹ Stepwise

جدول ۶. تحلیل رگرسیون گام به گام بی تفاوتی اجتماعی بر حسب خرده مقیاس‌های متغیر پیش‌بین بی‌هنجاری اجتماعی

گامهای تحلیل رگرسیون	متغیرهای وارد شده در هر گام	R	R ²	R ² تعدیل شده	برآورد خطای معیار	ΔR^2	sig
۱	بت‌واره گی پول	۰/۴۸۶	۰/۲۳۶	۰/۲۳۴	۹/۳۸۵	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰
۲	سلامت اجتماعی	۰/۵۷۵	۰/۳۳۰	۰/۳۲۷	۸/۸۰۰	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰
۳	محرومیت نسبی	۰/۶۰۸	۰/۳۶۹	۰/۳۶۴	۸/۵۵۱	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰
۴	بی‌قدرتی	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۸۰	۸/۴۴۲	۰/۰۱۸	۰/۰۰۱

نتیجه گیری

بی تفاوتی نوعی تهدید است که به تمایل افراد به عدم دخالت در امور و پذیرش مسئولیت اشاره می‌نماید. در هر جامعه‌ای برخی شرایط بنیادی وجود دارد که در صورت عدم وجود آنها جامعه به شدت دچار اختلال خواهد شد. یکی از مهمترین این اختلالات آن است که جمعیت یک جامعه بی تفاوت شود و این برای آن جامعه تهدیدی جدی به شمار می‌آید تا آنجا که همه ساختارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و صد البته بروز چنین پدیده‌ای در نسل جوان دانشگاهی می‌تواند هشدار جدی در پدیده‌های مسائل و مشکلات عدیده‌ای شود. از این رو بررسی این مسئله در بین جوانان دانشجویی می‌تواند به روشن شدن آن کمک کند.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بت و ارگی پول بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است.

بر اساس یافته‌های بدست آمده مشخص شد که بین بت‌واره گی پول و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد و از روی بت‌واره گی پول دانشجویان به میزان ۲۳ درصد می‌توان میزان بی تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. در تحقیقات مشابه می‌توان به پژوهش صدقاتی فرد و محسنی تبریزی، ظهیری نیا و همکاران، نواح و همکاران اشاره کرد که در پژوهش‌های خود تحلیل هزینه و پاداش و یا پایگاه اقتصادی، اجتماعی را مورد سنجش قرار داده‌اند که مترادف با متغیر بت و ارگی پول است که ما در این پژوهش بعنوان یک متغیر مستقل به آن پرداخته ایم و به این نتیجه رسیدند که افراد در انجام کنش خود ابتدا سود و زیان خود را محاسبه می‌کنند و به نوعی همان در اولویت قرار گرفتن پول است و در تبیین این موضوع می‌توان استناد به نظریه بی تفاوتی اجتماعی دال که بر مبنای محاسبه هزینه و پاداش است داشته باشیم که افراد در مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطراری بلافاصله به تحلیل بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نوع دوستی و بی تفاوتی می‌پردازند و همچنین نظریه بت و ارگی پول واژه‌ای که مارکس برای توصیف گسیختن از انجام شدن بکار می‌برد از نظر مارکس بیگانگی عمدتاً زمانی آغاز می‌شود که انسان نسبت به چیزی که در اصل متعلق به خود اوست احساس خویشی نمی‌کند. همچنین رساله زبمل با طرح پول به عنوان یک نمونه، مطرح می‌کند که شهر اساساً از انواع گوناگون صورت‌ها (فرم‌ها) و وساطت‌ها ساخته شده است. بدین سان پیوندهای عاطفی در درون و بین گروه‌های اجتماعی جای خود را به روابط صوری بین افراد می‌دهد. به عبارتی پول وسیله هم طراز کردن و سنجیدن و تبدیل کیفیت به کمیت خواهد بود.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد فردگرایی بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است.

یافته‌ها نشان داد که بین فردگرایی و بی تفاوتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش ادهمی و همکاران، صدقاتی فرد و محسنی تبریزی، رابین و همکاران همخوانی دارد. همچنین این نتیجه نظریه زبمل، سی رایت میلز و ماکس وبر را در خصوص تاثیر فردگرایی بر بی تفاوتی اجتماعی تایید می‌کند. فردگرایی عبارت است از افکار و عقایدی که بر منافع فردی تاکید دارد این اصطلاح یک دیدگاه اخلاقی، فلسفه سیاسی، ایدئولوژی یا مرام اجتماعی است که بر ارزش اخلاقی فرد تأکید می‌کند. خودخواهی بیش از هر چیز بیانگر میل انسان به برآوردن منافع شخصی خود به هر طریق ممکن است، حتی اگر این امر در تعارض منافع دیگر افراد قرار گیرد. خودخواهی علاقه پرشور و مبالغه آمیز به خود است که فرد را وامیدارد به همه چیز با در نظر داشتن خود فکر کند و خود را به همه ترجیح دهد» و این امر در جامعه در حال گذار امروزی ایران به موازات فروپاشی نظام سنتی، نظام نوین و نهادهای مدنی شکل نگرفته و مردم دچار آنومی یا نابسامانی شده‌اند که این وضعیت بصورت فردگرایی خودخواهانه مشاهده می‌شود و بر این اساس می‌توان به نظریه سی رایت میلز استناد کرد که وی معتقد است طبقه متوسط خصلت انقلابی خویش را از دست داده و به افرادی جدا از هم و نامتشکل و پراکنده تبدیل شده‌اند و قشر وسیعی از مردم دنیای معاصر صنعتی را در بر گرفته است. این افراد بی تفاوت، بی علاقه و بدون جوشش زندگی و سرخورده از جبر اجتماعی و بیگانه با پرشش‌های حیاتی تاریخ بشر در لاک غفلت سر فرو برده‌اند و از کنار هر مسئله‌ای به راحتی می‌گذرند. و بیشتر خواهان حفظ مراتب طبقاتی، پرستیژ و منزلت اجتماعی خود هستند و همین علاقه باعث می‌شود به صورت تشکل در نیایند و با هراس و سراسیمه به دنبال الگوهای عادت‌ی جامعه و برنامه‌های تحمیل شده نظام حاکم باشند. و این همان مصداق فردگرایی و ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی است که منظور نظر دورکیم هم می‌باشد. همچنین از دیدگاه وبر دیوان‌سالاری (بوروکراسی) نگرش بیگانه و انسانیت زدایی شده‌ای را به وجود می‌آورد و معتقد بود افراد در این نظام به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند و بروکراتیزه شدن فرایند امور و عقلانی شدن کنش‌ها را موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران تحلیل می‌کند.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد احساس محرومیت نسبی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

براساس یافته‌های بدست آمده بین دو متغیر احساس محرومیت نسبی بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و از روی احساس محرومیت نسبی دانشجویان می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. محرومیت نسبی بعنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آنها تعریف می‌شود. عبارتی محرومیت نسبی به برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین انتظارات و توانایی‌های ارزشی تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی کالاها و شرایط زندگی می‌باشند که مردم خود را مستحق آن می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند و در صورت داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آنها را بدست آورند و حفظ کنند که این نتیجه با نتایج تحقیقات عنبری و غلامیان، ظهیرنیا و همکاران، صدقاتی فرد و محسنی تبریزی همسو می‌باشد و همچنین یافته‌های تحقیق تأیید کننده نظریه محرومیت نسبی لئون فستینگر و گال است به این معنا که با افزایش محرومیت نسبی جوانان، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها نیز افزایش خواهد یافت. همچنین پارسونز معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران می‌انجامد. در این کنشها مسئولیت و وفاداری به حداغلی خود می‌رسد و با استناد به نظریه فستینگر و پارسونز می‌توان این گونه نتیجه گرفت که افراد اگر در مقام مقایسه خود با دیگران برآیند و اگر خود را در موقعیت‌های مشابه پایین‌تر از دیگران ببینند احساس نارضایتی خواهند کرد و بیگانگی با جامعه از عوارض آن خواهد بود در صورتی که افراد بر طبق نظر پارسونز به جای مقایسه، کنش خود را معطوف به دیگران سازند این امر انسجام و همکاری با دیگر افراد را در جامعه در پی خواهد داشت.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد کاهش سلامت اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

کاهش سلامت اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان موثر است یافته‌های بدست آمده نشان داد که از روی کاهش سلامت اجتماعی دانشجویان به میزان ۳۳ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. و نتایج بدست آمده با نتیجه پژوهش ادومی و همکاران، نوابخش و میرزاپوری همخوانی داشت. در تأیید این فرضیه با استفاده از نظرات کبیز و دورکیم در این پژوهش توانستیم به یک تلفیق نظری دست پیدا کنیم بدین صورت که کبیز سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از هنجارها و چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی به عنوان عضوی از آنهاست، تعریف می‌کند. و معتقد است کسانی که در جامعه حضور فعال دارند از سلامت روانی بیشتر برخوردار هستند کبیز سلامت روانی را احساس خوب و رضایت از زندگی می‌داند. و معتقد است سلامت اجتماعی به مشارکت اجتماعی افراد، همستگی، پذیرش اجتماعی بستگی دارد. او سلامت اجتماعی را توانایی فرد در تعامل موثر با دیگران و اجتماع به منظور ایجاد روابط ارضاء کننده شخصی و به

انجام رساندن نقش‌های اجتماعی تعریف می‌کند. و اما همانطور که می‌دانیم دورکیم درخصوص رعایت هنجارها معتقد است که هرچقدر شناخت فرد از هنجارها کمتر باشد و رعایت هنجارها توسط افراد به حداقل برسد فرد نسبت به زندگی احساس خوبی نخواهد داشت و همین امر باعث کاهش سلامت اجتماعی می‌شود چیزی که کبیز نیز بدان معتقد است و بدین ترتیب با تلفیق این دو نظریه می‌توانیم نتیجه بگیریم که: هر چقدر سلامت اجتماعی در جامعه کاهش پیدا کند افراد نسبت به مسائل اجتماعی و مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت می‌شوند.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

براساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین بی‌معنایی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان سطح معنی‌داری آزمون زیر ۰/۰۵ و مقدار $r = ۰/۲۶۷$ و $R^2 = ۰/۰۷$ می‌باشد. در نتیجه بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیف معنی‌داری وجود دارد و از روی بی‌معنایی دانشجویان به میزان ۷ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. در تحقیقات پیشین متغیر بی‌معنایی مشخصاً سنجیده نشده است و در غالب یک متغیر پنهان به نوعی آن را سنجیده اند بطور مثال ظهیری نیا و همکاران در غالب تحلیل هزینه و پاداش بی‌معنایی را تعریف کرده اند که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد همچنین محسنی تبریزی و صدقاتی فرد بی‌معنایی را در میزان اثربخشی اجتماعی فرد معنا کرده اند که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از عدم اثربخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد. نادری و همکاران هم به این نتیجه رسیدند که بین بی‌معنایی و بی‌اعتنایی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و اما در این پژوهش مشخصاً برای اولین بار این متغیر را بطور مستقل مورد آزمون قرار دادیم و متغیر بی‌معنایی را با ۶ گویه در بین دانشجویان سنجیدیم و با اینکه ضریب بدست آمده ضعیف بود ولی نمی‌توان تاثیر آن را در بی‌تفاوتی افراد نادیده گرفت و با توجه به نظرات استفاده شده در چارچوب نظری این پژوهش می‌توانیم آن را تبیین کنیم.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

براساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان سطح معنی‌داری آزمون زیر ۰/۰۵ و مقدار $r = ۰/۲۴۵$ و $R^2 = ۰/۰۶$ می‌باشد. در نتیجه بین دو متغیر رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و از روی بی‌اعتمادی دانشجویان به میزان ۶ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود و این نتیجه با نتایج تحقیقات صدقاتی فرد و محسنی تبریزی، عنبری و غلامیان همخوانی دارد. و همچنین

با توجه به نظرات رابرت پاتنام، اینگلهارت در خصوص اعتماد می‌توان این فرضیه را تبیین کرد.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

نتایج بدست آمده از آمارها نشان داد که بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان موثر است و از روی بی‌قدرتی می‌توان ۳۸ درصد از بی‌تفاوتی دانشجویان را پیش‌بینی کرد و این نتیجه با نتایج تحقیقات مشابه همچون پژوهش نادری و همکاران و وایت دین همخوانی دارد. وایت دین در پژوهش خود بیگانگی را با توجه به برخی متغیرهای مورد نظر سیمن مورد بررسی قرار داد و فرضیه‌های این تحقیق شامل روابط مثبت میان بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و بی‌تفاوتی سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد که در پایان محقق به این نتیجه دست یافت که رابطه معنادار میان بی‌تفاوتی سیاسی و بیگانگی وجود دارد. که البته میزان بی‌قدرتی را ما در این پژوهش برخلاف وایت دین با بی‌تفاوتی اجتماعی سنجیده ایم که آمارها نشان داد که بین این دو متغیر به عنوان متغیر مستقل و وابسته رابطه معناداری وجود دارد.

و اما بطور کلی می‌توان گفت تحقیقاتی که در ایران در رابطه با بی‌تفاوتی انجام شده است با پژوهش‌های مشابه که در کشورهای خارجی انجام گرفته یک تغییر اساسی دارد و آنهم این است که در پژوهش‌های مشابه بطور مثال تحقیقات لیپست محقق آمریکایی و یا تحقیقاتی که اینگلهارت انجام داد به این نتیجه رسیدند که با بالا رفتن سطح تحصیلات بی‌تفاوتی در افراد کاسته می‌شود بخصوص بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی، درحالی‌که در تحقیقاتی که در داخل ایران انجام شده است نتایج دقیقاً برعکس این بوده است بدین گونه که با بالا رفتن سطح تحصیلات بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افراد افزوده می‌شود. بطور مثال رتبه‌های برتر کنکور ۱۰ سال پیش یا سال‌های قبل‌تر اکثراً مهاجرت کرده‌اند و یا بنا به گفته سایت‌های خبرگزاری‌های رسمی در داخل کشور در سه سال کرونایی در ایران بیش از ۳ هزار پزشک متخصص به کشورهای اروپایی و آمریکایی مهاجرت کردند دورانی که هر کشوری بیش از پیش به کادر پزشکی و درمان خود احتیاج داشت و مهاجرت پزشکان که به قولی جان انسان‌ها در دست‌شان است، نگرانی‌ها را چند برابر کرده است. اگر به آمار مهاجرت پزشکان نگاهی بیندازیم گفته می‌شود یک‌چهارم پزشکان به اروپا و آمریکا مهاجرت کرده‌اند. البته این پژوهش در بین جامعه شهری و دانشجویان و افراد تحصیل کرده انجام گرفته است و شهر نشینی یکی از دلایل شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان است. در نتیجه این تغییر در سبک زندگی، تغییر در ساختار خانواده نیز رخ داده است که این عامل نیز خود یکی دیگر از علل شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان شده است. تغییر در نوع روابط اجتماعی، تغییر خرده فرهنگ‌ها، فردگرایی، کاهش مهربانی اجتماعی در سطح جامعه، کاهش مدارای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی و افزایش مشغله‌های زندگی که به ضعیف شدن ارتباطات منجر شده است همگی دست به دست هم داده‌اند تا "بی‌تفاوتی" هر چه بر رنگ تر در جامعه نمود و بروز پیدا کند. بی‌تفاوتی اجتماعی امروزه آنچنان در جامعه ما عمیق شده است که ما مجبور هستیم برای کمک

به نیازمندان جشن‌های گلریزان برگزار کنیم تا کسی بیاید و کمکی کند. درحالی‌که در گذشته براساس تعالیم دینی، مردم احوال همسایگان خود را می‌پرسیدند و به این موضوع اهتمام داشتند. و مصداق آن حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: الجوارُ ثمَّ الدارُ (اول همسایه سپس خانه). اما متأسفانه این روزها شاهد آن نیستیم این موضوع نشان می‌دهد که روابط عاطفی ماضعیف شده و در نتیجه همین بی‌تفاوتی‌ها ضعیف‌تر نیز خواهد شد و این نقیصه به کاهش هر چه بیشتر مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان منتهی خواهد شد که نتیجه زیان بار آن باز هم بصورت پررنگ تر گریبانگیر شهروندان خواهد شد. متأسفانه بی‌تفاوتی در حال تبدیل شدن به یک پرستیژ در جامعه است و غافل از اینکه این بی‌تفاوتی روزی گریبان تک تک افراد جامعه را خواهد گرفت و بی‌تفاوتی اجتماعی آسیب‌های زیادی را هم در پی خواهد داشت از جمله: تعطیل شدن آیین پرستش، رواج فساد و فحشا، شیوع بیمان‌شکنی، عدم بایبندی به روابط اجتماعی، رها شدن محرومین، نابرابری. یکی از وظایفی که همواره برعهده دولت و نظام آموزشی کشور بوده و در شرایط کنونی و با توجه به افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بیشتر از هر زمانی نیاز به آن احساس می‌شود، مسئله اشتغال جوانان است، آنهم بعد از فراغت از تحصیل، همچنین داشتن مسئولیت از طرفی باعث کاهش فردگرایی و افزایش تعلق اجتماعی در افراد می‌شود در بعضی جوامع با ساماندهی و گسترش نهادهای حمایتی و جذب افراد داوطلب، تعلق اجتماعی را در متن جامعه رواج می‌دهند. بهمین دلیل کوشش در جهت افزایش جمع‌گرایی در شرایط امروزی جامعه و ساماندهی سازمان‌های حمایتی بسیار اهمیت دارد. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در افراد می‌تواند باعث کاهش فردگرایی شود. افسردگی، کاهش شادابی و نشاط، سست شدن بنیان خانواده و افزایش آسیب اجتماعی، تنها بخشی از مشکلات فردگرایی است؛ مشکلاتی که خود، مادر بروز و منشأ مشکلات اساسی و مخل آرامش جامعه است. کنار هم جمع شدن، نقطه آغاز تقویت روحیه جمعی است و کنار هم ماندن یک هنر که عامل پیشرفت و موفقیت است و ضرورت دارد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، داشتن جامعه سالم و بانشاط برای تحقق این راهبرد تلاش کرد. بعنوان مثال استفاده از خدمات مشاوره‌ای، روان‌شناختی، مددکاری برای تمامی دانشجویان باید وجود داشته باشد شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار موثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن زندگی را به کام فرد تلخ می‌کند و فرد را به انحراف می‌کشاند بحث سلامت اجتماعی نوعی بهداشت روانی و جمعی است و در صورتی که تحقق پیدا کند شهروندان و نیروی کار جامعه که گروه هدف هستند، از انگیزه و شادابی کافی برخوردار خواهند بود و پر واضح است که افراد سالم از نظر اجتماعی ظرفیت‌های تعامل سازنده تری را در جامعه و محیط کار تجربه می‌کنند.

پیشنهادات و محدودیت‌های پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی، به دلیل جامعیت علمی و گستردگی منابع انسانی، قابلیت‌های زیرساختی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (یا بدنه فکری) ضروری برای تقویت روحیه نوآوری مادام‌العمر، تبدیل دانش به محصول، پشتیبانی از خودسازی اخلاقی و در نهایت تأمین بلوغ

7. Naderi, Hamdaleh. (1388). Structural modeling of the relationship between alienation and social indifference. *Journal of Social Sciences (Mashhad University of Literature and Human Sciences)*, 6th volume, number 2, pp. 29-59.
8. Zhelnina, A. (2020). *The Apathy Syndrome: How We Are Trained Not to Care about Politics, Social Problems*, Volume 67, Issue 2, Pages 358-378.
9. Schou, R. (2015). *Countering Student Apathy to Increase Student Engagement*. Phd Thesis. Wahden University.
10. Curato, N., & Niemeyer, S. (2013). *Reaching out to overcome political apathy: Building participatory capacity through deliberative engagement*. *Politics and Policy*, 41(3), 355-383.
11. Gans, H (1992). *Political Participation and Apathy*. Phylon. Volume 13.
12. Dean, Dwight. G (2008). *Alienation and Political Apathy*. *Social Force*, Vol 38, No. 3.
13. Coser, Louis. (1383). *The life and thought of great sociologists*. Translated by Mohsen Talasi, first edition, Tehran: Scientific Publications.
14. Tusli, Gholam Abbas. (1382). *Social participation in the conditions of anomic society (relationship between social harms and deviations and social participation)*. Tehran: Tehran University Press.
15. Bushreh, Hossein. (1378). *An introduction to political sociology*. Tehran: Contemporary view.
16. Jan Craib. (2013). *Modern social theories*. Translated by Abbas Mokhbar, 4th edition, Tehran: Sher Age.
17. Merton, Robert. (1969). *Social problems and sociological theories*. Translation: Navin Tolai, Tehran: Amirkabir Publishing.
18. Solitude, Abolhasan. (2014). *Sociological Theories*. Tehran: Marandiz Publishing.

سیاسی دانشجویان را دارد بنابراین از مسئولین محترم دانشگاهی انتظار می‌رود که به مشکلات دانشجویان توجه کنند از نظر تشویق دانشجویان نخبه، دادن اعتبار به دانشجویان جهت انجام تحقیقات دانشگاهی، استفاده از تخصص و مهارت دانشجویان، ایجاد همبستگی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، تقویت تعامل فارغ‌التحصیلان با دانشجویان از طریق استمرار گسترده‌ترین حق دسترسی ممکن به منابع علمی و در اختیار گذاشتن فضای ایمیل دانشگاهی از جمله تمهیدات زیرساختی ضروری برای توسعه و تقویت این تعامل است. هر پژوهشی با مسائل و چالش‌هایی روبرو می‌شود که بر فرایند پژوهش اثر می‌گذارد که از مهمترین آنها محدودیت‌هایی است که در اختیار پژوهشگر است مانند عدم شاخص‌سازی متغیر بی‌تفاوتی براساس مولفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی... به خاطر حجم بودن کار و محدودیت‌هایی که خارج از اختیار پژوهشگر بود مانند عدم همکاری بسیاری از یاسخگویان در امر تکمیل پرسشنامه، فراگیری بیماری کرونا و ایجاد محدودیت‌های ناشی از آن.

References

1. Naraghi, Yusuf. (2014). *Sociology and development*. Tehran: Farzan Publishing House, third edition.
2. Anbari, Musa. (2017). *Sociology of development from economy to culture*. 5th edition, Tehran: Somit Publications.
3. Alamdar, Javadi Yeganeh, Mohammad Reza, Rahmani. (2017). *The process of creating social indifference in the interactive context of Iranians*. *Review of Iran's social issues*, 9th volume, 1st issue, pp. 165-190.
4. Navah, Abdul Reza, Nabavi, Abdul Hossein and Amir Shirzad, Narges. (2013). *Investigating social factors affecting social indifference (case study: 18-year-old citizens above Dezful city)*, *Iranian Journal of Sociology*, No. 3: 161-132.
5. Zahirinia, Mustafa; Gulabi, Fatima; Hedayat Ayoraq, Rahim. (2014). *Identifying the effective factors of social indifference among the students of Mohaghegh Ardabili University*. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*, No. 45. 86-111.
6. Sedaghati Fard, Mojtabi. (2012). *Social indifference (meaning analysis, theoretical basis, etiology)*. Isfahan, Behtapjohesh.

19. Simmel, George (2017). Essays on interpretation in social science. Translated by Shahnaz Mesmiparast, Tehran, publishing company.
20. Garr, Tedrabert. (1377). Why do people riot? Translation: Ali Morshidizad, Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
21. Heydari, Arash, Nasiri, Hedayat. (2012). Criminology (theory and application). Tehran: Narenjestan Kitab.
22. Mohseni Tabrizi, Alireza; Sedaghati Fard, Mojtabi. (1390). A research on social indifference in Iran (research case).
23. Adhami, Abdul Reza; Safarian, Mohsen; Moradi, Ali. (2019). Understanding the relationship between individualism and relative deprivation with social indifference (case study: Kermanshah youth). Communication Culture Studies, Volume 21, Number: 49.
24. Alafian Masoud. (1379). Participation and new perspective in urban management. Collection of sustainable development management articles in urban areas, sustainable development management conference, Tabriz University.
25. Putnam, Robert (1380). Democracy and civil traditions. Translation: Ahmad Taghi Delfrooz, Tehran: Salam newspaper publication, first volume.
26. Lerner, Denial (1964). The passing of traditional society. New York, the Macmillan com.
27. Huntington, Samuel. (1376). Political order in societies undergoing transformation. Translation: Mohsen Al-Talasi, Tehran, Alam Science.